



نگاهی به یکی از مهمترین زبانهای آریانی (ایرانی) «زبان پشتو»

○ دکتر عبدالخالق رشید

استاد اعزامی در دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو

اقوام آریایی از سده‌های قبل تا به امروز از جمله اقوامی بوده‌اند که دارای تاریخ و فرهنگ درخشانی بوده‌اند و اکنون نیز در جهان نه تنها از اهمیت و پرباری فرهنگی آنان نکاسته بلکه بر عکس ارزش کلاسیک آن مضاعف شده است.

از قرون اول تا چهارم و پنجم هجری، دین مبین اسلام بنیادهای سیاسی و فرهنگی و مذهبی ایرانیان را دگرگون کرد و بنیادهای نوین اسلامی را جاگزین آنها کرد، بازهم همین مردم و نسل‌های بعدی آنها بودند که در قیل صاحبان مراکز و آموزشگاه‌های بودند و در بعد نیز با فرهنگ پُر بار اسلامی صاحب درخشان‌ترین دستاوردهای علمی و فرهنگی شرق (شرق دیرین سال و منبع الهام غرب امروز) گردیدند، آنها در پیشبرد و تقویت بنیادهای معنوی آنقدر کوشیدند که نه تنها مایه افتخار در سرزمین‌های داخل فرهنگ مشابه شدند بلکه در ایجاد و تقویت فرهنگ پُربار انسانی نیز سهم انسانی و معنوی خویش را ادا کردند. در جهان کنونی کمتر نهادهای فرهنگی و جوامعی پیدا می‌شوند که در آنها از تاریخ علوم و ادبیات و تاریخ حکمت این سرزمین ذکری به عمل نیامده باشد. برای همه آشکار است که از آثار نخبگان فرهنگ ما چه در علوم نقلی و چه در علوم عقلی امروز در اکثر نهادهای علمی و ادبی غرب استفاده بعمل می‌آید. روی

همین اصل است که ما خود و نخبگان فرهنگ پُر بار خود را نخست توسط آنها می‌شناسیم و بعداً متوجه نکاتی می‌گردیم که آنها به آن پی نمی‌برند.

ایران و افغانستان کنونی هر دو وارثان همان سرزمین پهناوری‌اند که آثار گرانبهایی مانند حدود العالم من المشرق الی المغرب (تألیف ۳۷۱ هـ ق) شاهنامه فردوسی و امثال آن از حدود آن بحث کرده‌اند. همین مردم و همین کشورها در عین حال وارثان همان فرهنگ این سرزمین نیز هستند که در طول سالیان متمادی از نوابغ، دانشمندان و اهل علم و عرفان برایشان به میراث مانده است. آیا دانشمندان معاصر این دو کشور اعم از اطباء، زبان‌شناسان، ادب‌شناسان، مورخین، باستان‌شناسان اهل بخش علوم طبیعی، در بخش‌های یاد شده با استفاده از منابع مشترک علمی و فرهنگی تلاشهایی کرده‌اند؟ آیا علمای این دو کشور در راه غنای ارزشهای فرهنگی مشترک مان‌گامهای مقدماتی را برداشته‌اند؟ به هر صورت چون من اهل زبان شناسی و ادب شناسی ام، به صورت مشخص سئوال خود را در مورد زبانها مطرح می‌کنم: آیا علمای زبانشناس این دو کشور در راه معرفی منابع زبان و زبانشناسی، غنای زبانهای یک دیگر تلاشهایی به خرج داده‌اند؟ من تنها در اینجا به یک مسأله که برای بقا و حیات زبانهای موجودمان اهمیت به سزایی دارد - اشاره مختصری دارم.

برای همه ما آشکار است که زبان شیرین و غنایمندی که در هر دو کشور زبان معمول و رایج است عبارت از همان زبان دری فارسی است که سالهای متمادی آثار نخبگان کلاسیک فرهنگ خود را در آن مطالعه کرده‌ایم در ایران همین زبان زبان یکه تاز و زبان رسمی این کشور بوده. و اما در افغانستان در کنار زبان فارسی - دری زبانی مانند پشتو وجود دارد که از لحاظ مادی و معنوی، از لحاظ غنایمندی آثار و ادبیات کلاسیک و معاصر و همچنین از لحاظ ساختار و ساختمان منبع پژوهش برای اهل زبان و منابع پژوهشی این دو کشور به شمار می‌آید و آن زبان باستانی آریین زمین یعنی زبان «پشتو»

می‌باشد. زبان پشتو یکی از سه زبان قدیم آریانا و بجه بوده که دانشمندان زبانشناسی تاریخی این سه زبان (اوستا، پشتو کهن و فارسی کهن) را زبانهای خواهر و هم خانواده خوانده‌اند.

به نظر بنده در حال حاضر مطالعه و پژوهش این زبان باستانی از دو لحاظ دارای اهمیت است یکی اینکه علمای فارسی (زبان شناسان) می‌توانند در بخش‌های مختلف ساختار زبان فارسی (آواز شناسی، لغت شناسی و جمله شناسی) با استفاده از ساختارهای همین زبان پشتوی امروزی تحقیقاتی انجام بدهند و دوم اینکه زبان پشتو جایگاه حلقه اتصال فرهنگی دو کشور را احراز خواهد نمود، زیرا که این زبان از جمله زبانهای آریانی بوده که در طول تاریخ از نفوذ زبانهای مختلف در امان قرار گرفته، زبان غنایمندی است و زبان در حال رشد و انکشاف و دارای آینده پُر ثمر. بهتر است توضیح مختصری درباره اهمیت زبان پشتو و ارتباط و هم‌ریشه بودن آن با زبان فارسی که جزئی از ایکولوژی فرهنگی و ارتباط فرهنگی دو کشور برادر به شمار می‌رود، ارائه گردد:

دکتر گوستاولوبون می‌نویسد: «زبان باستانی آریایی که در آریانا و بجه بدان متکلم بودند، (آریک) نام داشت»^۱ در مراحل بعدی زبان «آریک» خود به سه زبان مستقل (اوستا، فرس باستان و پشتو باستانی) منقسم می‌گردد، دو زبان عمده و مهم (فارسی و پشتو) تا عصر حاضر بر جای ماندند و اوستا که زبان عام نبود به مرور زمان از اهمیتش کاسته شد. زبان پشتوی امروزی که در افغانستان، پاکستان، هند و حتی ایران (البته در مجاورت با افغانستان) گویندگانی دارد، امروز در جهان مطالعات زبانشناسی اهمیت قابل ملاحظه‌ای کسب کرده و توجه نامورترین زبان شناسان را به خود معطوف داشته است. به طور مثال ویلیام گایگر (۱۸۵۶-۱۹۴۳) زمانی که جهت مطالعه زبانهای شرقی و خصوصاً هند و ایرانی با کشتی به سوی مشرق سفر می‌کرد، از جمله مطالعات و

۱- علامه حبیبی: تاریخ مختصر افغانستان، چاپ دوم ۱۳۶۸، ص ۸.

تحقیقات اش یکی هم «ریشه و واک شناسی زبان پشتو» بود که تا امروز تحقیقات وی در مورد زبان پشتو مورد استفاده قرار می‌گیرد. مورگنسترن (متولد ۱۸۹۲) زبان شناس معروف نروژی یکی دیگر از زبان شناسان است که آثار و مطالعات وی نیز در مورد زبانهای مشرقی خصوصاً زبان پشتو و زبانهای پامیری از اهمیت شایانی برخوردار است. وی بارنخست در سال ۱۹۲۸ م اولین اثر خود را به نام «ریشه‌های کلمات پشتو» به چاپ سپرد^۱ وی به این اصل مهم و ماندگار اشاره نمود که از زبانهای گروه پشتو می‌توان در مطالعه و غنای زبانهای گروه و خانواده زبان فارسی بهره گرفت. به نظری وی و تعدادی از دانشمندان زبان چون زبان پشتو مانند زبان فارسی دستخوش تغییرات و تعرضات زبانهای غیر آریانی نشده است، لذا می‌توان از روی این زبان، زبان فارسی و خانواده غربی زبان هندو آریانی را دقیق‌تر مطالعه کرد. چون زبان عربی زبان فارسی را از هر لحاظ تحت تأثیر خود قرار داده است لذا دانشمندان نمی‌توانند مسائل ایتمولوژیک زبان فارسی را بدون مطالعه و ارزیابی همه جانبه یک زبان دیگر یعنی «پشتو» حل نمایند. مورگنسترن چندین بار جهت مطالعه لهجه‌های مختلف زبان پشتو و زبانهای پامیری به افغانستان سفر نمود، از وی درباره شناخت و مطالعه بخش‌های مختلف زبان پشتو آثار ارزشمندی بجا مانده است.

امیل بنونیت (۱۹۰۲-۱۹۷۶) زبان‌شناس نامدار فرانسوی که اصلاً شرقی بوده^۲ زبان شناس دیگری است که در مطالعات و پژوهشهای زبان‌شناسی معاصر جهان جایگاه مهمی را کسب کرده، وی نیز در ضمن پژوهش‌های خود در مورد زبان‌های مختلف جهان، پژوهشی نیز در مورد زبان پشتو به عمل آورده که در بخش ریشه شناسی کلمات

۱- دارمسترن، گایگر، مورگنسترن، بنونیت: تاریخ تلفظ و صرف پشتو، دانشگاه کابل، کابل، ۱۳۵۶.

این زبان جالب و از جمله تحقیقات ابتکاری به شمار می‌آید. قسمت اعظم کارهای بنونیت هم مانند گایگر، مورگنسترن مطالعه ریشه شناسی زبان پشتو را در بردارد^۱.

علاوه بر کارهای دانشمندان و علمای غرب، مطالعات و تحقیقات دانشمندان افغانی چون علامه حبیبی (۱۲۸۹-۱۳۶۳ ش) احمد علی کهزاد، دکتر روان فرهادی، پرفسور صدیق الله رشتین، پرفسور عبدالشکور رشاد، پرفسور محمد رحیم الهام، دکتر حبیب الله «نژی» و پرفسور مجاور احمد زیار از هر لحاظ در مورد زبان پشتو قابل یادآوری است. آثار و مطالعات سه دانشمند اخیر در مطالعه همه جانبه زبان پشتو، در قرن حاضر از جمله مدرن‌ترین تحقیقات در مورد این زبان بوده است. پرفسور زیار که اکنون در دانشگاه کابل به تدریس زبان‌شناسی مشغول است دستور و مطالعه زبان پشتو را وارد عرصه علمی ساخت و نامبرده درین زبان صاحب چندین اثر معتبری است که درینجا از یادآوری آن نظر به کمی حجم مقاله صرف نظر می‌نمایم و استاد روان فرهادی اثر معتبر استادان غرب «تاریخ تلفظ و صرف پشتو» را در سال ۱۳۵۶ خورشیدی با تعلیقات مبسوطی از علامه حبیبی ترجمه و گرد آوری و منتشر ساخت، استاد مرحوم کهزاد در اثر دو جلدی خود تاریخ افغانستان در مورد اهمیت و قدمت زبان پشتو به عنوان یکی از قدیمترین زبانهای خانواده «آریک» بحث‌ها و مطالعاتی عالمانه را انجام داده است. وی از جمله نخستین مورخان کشور ماست که همانند محمود طرزی از «ایرانی» یا «آریانی» بودن زبان پشتو قبل از تحقیقات وسیع و پیشرفته دانشمندان غرب که قبلاً از آن یادآوری شد، طرفداری کرده است.

همچنین تحقیقات متداوم استاد حبیبی درباره زبانهای آریانی، مخصوصاً در آثار متعدد وی، برای همه دانشمندان آشکار است. وی در آثارش چون «تاریخ ادبیات پشتو» ج ۱، «مادر زبان دری»، «تاریخ مختصر افغانستان» و تعلیقاتی که بر آثار استادان غرب

نوشته و قبلاً یادآوری گردید، از زبان پشتو و سیر تحولات آن در ادوار تاریخ بحث‌های فراموش ناشدنی را به دانشمندان تقدیم داشته است.

به هر صورت زبان پشتو، زبانی است که تا دوره معاصر نیز تعداد زیادی از کلمات و واژه‌های باستانی را تقریباً به شکل همان دوره حفظ داشته است. درینجا چند نمونه از عصر ویدی را مثال گونه می‌نویسم تا بینیم که این زبان در طول گذشت هزارها سال چگونه توانسته آن را نگهداری نماید:

در عصر ویدی «تور وینه» به معنی شمشیر باز بوده و این ساختار تا کنون در پشتو به شکل «توره و هونکی» معمول است. یا واژه «ویجه» به معنی سرزمین در پشتو تا حال به شکل «اوجه» تلفظ می‌گردد. همچنان واژه‌های «سیدهو» به معنی دریا در شکل کنونی «سید»، «برهمن» به معنی صاحب جاه و جلال در شکل «برمن»، «ویسه» به معنی اعتماد و باور در شکل «ویسا» و «شودره» به معنی نادان و بی‌تهذیب در شکل «سودر» از جمله واژه‌های آن زمان است که اکنون نیز در محاوره روزمره پشتو زبانان بکار گرفته می‌شوند. اگر ما در جریان مطالعات خود در متون کهن و معاصر زبانهای مان (دری و پشتو) متوجه بررسی و مطالعه ریشه‌های بعضی از واژه‌ها گردیم، در می‌یابیم که اکثر ریشه مشترک دارند و حتی تعداد زیادی از آنها در یکی از همین دو زبان تا حال حاضر زنده‌اند، از عصر ویدی و اوستایی و حتی در فارسی، و در ادبیات قرون پنجم و ششم شاعران و محققین کلماتی را بکار برده‌اند که در فارسی معاصر معمول نیست ولی در زبان پشتو کلمات معمولی و روزمره است.^۱

در نتیجه باید گفت که زبان پشتو اکنون در آسیا از جمله زبانهای آسیایی بشمار می‌رود که هم در گذشته و هم در حال حاضر پشتون‌ها با آن تکلم می‌کنند و در افغانستان

۱- رجوع شود به مجله ادب، سال ۱۳۵۱ مقاله استاد رشاد که کلمات و لغت پشتو را در اشعار شاعران دوره غزنوی و حتی تاریخ بیهقی تحقیق نموده است.

و پاکستان کتاب به این زبان نشر می‌گردد. در بعضی از دانشگاه‌های آسیایی و اروپایی، شعبات و مراکز آموزش و تحقیقات این زبان فعال بوده و تعدادی از دانشمندان کشورهای همجوار و غربی مشغول مطالعه و پژوهش درین زبان و آنچه به این زبان در بخش‌های مختلف مربوط می‌باشد هستند.^۱ روی همین ارزش و اهمیت، این نوشته پیشنهاد گونه را در اختیار آن عده از محققین که در کشور برادرمان ایران مشغول مطالعات زبانشناسی (خاصاً زبانشناسی تاریخی) هستند می‌گذارم تا باب نوینی را در تحقیقات و مطالعات علمی خویش باز نمایند و بالتیجه چنانکه علمای جهان غرب گفته‌اند که زبان پشتو حلقه وصل زبانهای خانواده‌های شرقی و غربی زبانهای هند و اروپایی است، گام‌های مؤثری در غنای زبانی و ادبیات دو ملت برادر ازین طریق نیز برداشته شود. چون ملتهای ایران و افغانستان دارای فرهنگ مشترک‌اند، و این فرهنگ مشترک در دو زبان مشترک (پشتو و فارسی) منعکس شده، لذا ضرورت مطالعه این دو زبان در ذات خود یکی از عرصه‌های مهم و حیاتی این دو ملت و علمای آن و نمود می‌گردد.

۱- شماری از محققان و دانشمندان جهان در مورد زبان و ادبیات پشتو تحقیقاتی کرده‌اند که از آن جمله کارهای محققین روسیه چون گیرس، لیدیف گرایسموا و از ازبکستان، عارف عثمانوف و دیگران را نمی‌توان نادیده انگاشت.